



نقد حجیت فهم سلف از دیدگاه سلفیه

مجتبی محیطی*

چکیده

حجیت فهم سلف از مهم‌ترین مبانی سلفیه است. سلفیه فهم سلف را از فهم خلف برتر می‌دانند و معتقدند که در همه ابواب فقهی و اعتقادی باید به فهم آنان رجوع کرد؛ زیرا آنان به عصر رسول خدا ﷺ نزدیک بوده و حقایق را بهتر درک کرده‌اند؛ از این رو، فهم آنان بر فهم دیگران ترجیح دارد. سلفیه اصول و فروع دین را با توجه به فهم سلف تفسیر می‌کنند. آنان کتاب و سنتی را حجت می‌دانند که با فهم سلف همراه باشد. سلفیه با استناد به آیات، روایات و نزدیکی به عصر رسالت درصدد اثبات حجیت فهم سلف هستند. این دلایل همگی با اشکالات متعددی روبه‌روست؛ چون برخی ادله آنان، هیچ‌گونه دلالتی بر حجیت فهم سلف ندارد. برخی دلایل، ضعیف و برخی اخص از مدعاست.

کلیدواژه‌ها: فهم سلف، سلف صالح، سلف، سلفیه، خیرالقرون، حدیث عرباض.

مقدمه

انسان به طور فطری به دنبال حق و حقیقت است و هنگامی که حق را فرا می گیرد، آرام می شود. خداوند برای اینکه بشر به حقیقت برسد، عقل و نقل (وحی) را در اختیار انسان قرار داده است. به کار بستن توأمان عقل و نقل، باعث شکوفایی، رشد دینی و در نتیجه، رسیدن به کمال خواهد شد؛ بنابراین پیروی از عقل یا نقل به تنهایی، باعث گمراهی خواهد شد. اقوام فراوانی به جهت رهاکردن نقل و پیروی محض از عقل، به عذاب الهی گرفتار شدند. همچنین چه بسا جمعیت هایی که به جهت به کار نبستن عقل و تقلید کورکورانه از پیشینیان خود، از صراط مستقیم الهی منحرف و به آتش عذاب الهی گرفتار شدند. سلفیه با روی گردانی از عقل، به روش نقلی و حسی روی آوردند و به جمود در دین مبتلا شدند.^۱ از همین رو، نه تنها پذیرش علوم بدیهی را انکار کردند، بلکه با فهم محدود و ناقص پیشینیان (سلف) به تکفیر دیگران همت گماشتند. آنان با برتری دادن فهم سلف بر فهم خلف، بسیاری از علمای اسلام را که با روش عقلی سراغ نقل رفته بودند و به تفسیر و تأویل آیات و روایات الهی مشغول بودند، تکفیر کردند. آنها اشاعره، معتزله، ماتریدیه، صوفیه و شیعه را به همین جهت تکفیر کردند. سلفیه قلمروی حجیت فهم سلف را بسیار گسترده می داند. آنان با استناد به برخی آیات و روایات و همچنین با استناد به نزدیکی عصر سلف به عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، فهم سلف را بر فهم خلف ترجیح می دهند؛ درحالی که آیات و روایات مدعای سلفیه را ثابت نمی کند؛ بلکه آیات و روایاتی وجود دارد که فهم سلف را به چالش می کشد و فهم خلف را از فهم سلف بهتر می داند. ضمن آنکه نزدیکی زمانی به عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز دلیلی بر حجیت فهم سلف نیست؛ به ویژه با توجه به اختلافاتی که صحابه با یکدیگر داشتند.

۱. سلفیه به جهت پیروی محض از نقل و روی گردانی از عقل، حتی علوم بدیهی را نیز انکار می کنند. بن باز، عالم برجسته وهابی، گردش زمین به دور خورشید را گمراهی و کفر می داند؛ زیرا وی معتقد است که ثبوت خورشید، با ادله نقلیه و حسیه سازگاری ندارد. (بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، الأدلة النقلية والحسية، ص ۷۲).
ابن عثیمین نیز می گوید: «ظاهر کتاب و سنت، بر حرکت خورشید به دور زمین دلالت دارد؛ بنابراین بر مؤمنان واجب است که به ظاهر کتاب و سنت تمسک جویند؛ زیرا سلف، حرکت خورشید به دور زمین را از آیات و روایات فهمیده اند». (ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۱، ص ۷۲).

این مقاله با رویکردی تحلیلی-انتقادی، ابتدا به تبیین اعتقادات سلفیه پرداخته است و سپس با بررسی و نقد ادله آنان، حجیت فهم سلف را به چالش کشیده است.

سلف

در اصل اشتقاقی «سین و لام و فاء» بر تقدم و سبقت دلالت دارد^۱ و سلف در لغت به معنای «پیشینیان» است.^۲ این واژه دارای معنایی نسبی است و مردم هر عصری نسبت به آیندگان خود، «سلف» و نسبت به گذشتگان خود، «خلف» شمرده می‌شوند.^۳ سلف در اصطلاح و نزد جمهور سلفیه به اهل قرون ثلاثه از صحابه، تابعین و تابع تابعین اطلاق می‌شود.^۴ ابن عثیمین در تعیین مصداق سلف، قید «کسانی که نصوص را به ظاهر حمل می‌کنند و هیچ‌گونه تعرضی به آن وارد نمی‌کردند» را نیز اضافه می‌کند.^۵

فهم سلف

به علم، تفقه و اجتهادی که اکثر صحابه، تابعین و پیروان آنها در قرون ثلاثه از نصوص شرعی ارائه دهند، «فهم سلف» اطلاق می‌شود. قول، فعل و تقریر سلف، بیان‌کننده فهم سلف است و از دیدگاه سلفی‌ها، فهم سلف بیان‌کننده مراد خداوند و پیامبر ﷺ است.^۶ حتی ترک صحابه نیز از باب سنت ترکی، بر فهم سلف از نصوص شرعی دلالت دارد.^۷ قید «اکثر صحابه» به این جهت است که اگر سلف در موضوعی دچار اختلاف شدند و اجتهادات مختلفی ارائه دادند، دیگر به چنین فهمی، «فهم سلف» اطلاق نمی‌شود؛ بلکه نوعی از فهم است که در حجیت آن بین سلفیه اختلاف وجود دارد.^۸

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مادة سلف، ج ۳، ص ۹۵.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مادة سلف، ج ۹، ص ۱۵۸.

۳. بوطی، محمد سعید رمضان، السلفية: مرحلة زمنية مباركة لا مذهب إسلامي، ص ۹.

۴. ترکی، عبدالله بن عبدالمحسن، مجمل إعتقاد أئمة السلف، ص ۱۳۳؛ دمیجی، عبدالله بن عمر، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية، ص ۱۷؛ ابن عثیمین، محمد بن صالح، شرح العقيدة السفارينية، ص ۱۹.

۵. ابن عثیمین، محمد بن صالح، شرح العقيدة السفارينية، ص ۱۹.

۶. دمیجی، عبدالله بن عمر، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية، ص ۲۳.

۷. همان، ص ۲۶.

۸. همان، ص ۲۳.

سلفی‌ها فهم سلف را از فهم خلف برتر می‌دانند و ابن تیمیه به عنوان نظریه‌پرداز این اندیشه معتقد است که دیدگاه سلف در علم، عمل، ایمان، عقل، دین، بیان و عبادت، بر دیدگاه خلف ترجیح دارد.^۱ وی با استناد به احادیثی مثل خیر القرون، برتری سلف را ثابت می‌کند.^۲ در پیروی از ابن تیمیه، وهابی‌ها نیز سلف را عالم‌ترین امت به فهم نصوص می‌دانند و بر این باورند که «سلف»، مراد خداوند و رسول خدا ﷺ را بهتر از هر فرد دیگری فهمیده‌اند.^۳ ابن عثیمین روش سلف را اسلم، اعلم و احکم می‌داند. اسلم، به این دلیل که فقط نصوص را نقل کرده و چیزی به آن نیفزوده‌اند. اعلم، به این جهت که عقیده خود را از کتاب و سنت رسول الله ﷺ دریافت کرده‌اند. احکم، به این جهت که طریق واجب را پیموده‌اند و نصوص صفات الهی را بر ظاهر خداوند که سزاوار آن است، حمل کرده‌اند.^۴ از دیدگاه سلفیه، برتری سلف به صورت یکسان نیست؛ بلکه در رأس سلف، صحابه قرار دارند؛ زیرا در جمیع فضایل و مناقب سرآمد هستند.^۵ پس از صحابه نیز تابعین و تابع تابعین، در شناخت مراد خداوند و پیامبر ﷺ داناتر از دیگران هستند؛ زیرا با احادیث نبوی و تفسیر قرآن بیشتر ملتزم بوده‌اند.^۶ سلفیه جهادی نیز مانند وهابی‌ها فهم سلف را اسلم و احکم بر خلف می‌دانند و مدعی هستند که سلف امت، در ایمان و اسلام ثابت‌قدم بودند و فهم آنها بر فهم خلف تقدم و برتری دارد.^۷

از دیدگاه سلفیه، اگر سلف در مسئله‌ای اتفاق نظر داشته باشد، فهم سلف قطعاً حجت است. ابن تیمیه^۸ و البانی^۹ برای فهم سلف، در صورتی که سلف در آن موضوع اتفاق

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۱۵۸.

۲. «ثم من المحال أيضاً أن تكون القرون الفاضلة...» (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتاوی الحمویة الکبری، ص ۱۸۲).

۳. «فإن السلف أعلم الأمة بنصوص الصفات لفظاً ومعنى». (ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین، ج ۴، ص ۲۸).

۴. «وطريقة السلف على هذا الوجه أسلم وأعلم وأحكم». (ابن عثیمین، محمد بن صالح، شرح العقيدة السفارينية، ص ۱۹).

۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، شرح العقيدة الأصفهانية، ص ۱۸۰.

۶. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۹۱.

۷. طرطوسی، ابوبصیر، المنهج فی الطلب و التلقي و الإتياع، ص ۶۲.

۸. «وذلك أن إجماعهم لا يكون إلا معصوماً». (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۳، ص ۲۴).

۹. ناصر، بسام، «جدلية فهم "السلف الصالح" بين الإلزام والإرشاد»، سایت عربی ۲۱، ۱۵ ینانیر ۲۰۱۵م، آدرس:

<http://arabi21.com/story/803196>

داشته باشند، مقام عصمت قائل هستند و چنین فهمی را معصوم از خطا می‌دانند؛ به همین جهت اتفاق سلف را منبع سوم تشریع عنوان می‌کنند.^۱

سلفیه

با توجه به تعریف‌های لغوی و اصطلاحی که در قسمت «فهم سلف» گذشت، سلفیه به گروهی اطلاق می‌شود که اعتقاد آنها همان اعتقاد سلف باشد و در تمسک به کتاب و سنت، شیوه سلف را داشته باشند.^۲ سلفیه مدعی مذهب خاصی نیستند؛ بلکه مسلمانان را به «اسلام بلامذهب» دعوت می‌کنند. آنان معتقدند که سلفیه، روش افهام است، نه روش اشخاص.^۳ مهم‌ترین ویژگی این مذهب، نفی مذاهب اسلامی و دعوت مسلمانان به پیروی محض از گذشتگان است. در این مذهب جدید، هیچ‌یک از مذاهب اسلامی به رسمیت شناخته نمی‌شود و محتوای اصلی آن را صرفاً «تقلید از سلف» تشکیل می‌دهد.^۴ به گفته رمضان بوطی، سلفیه پدیده‌ای نوظهور است که انحصار طلبانه مدعی مسلمانی است و همه را جز خود، کافر می‌داند؛ فرقه‌ای که با انتساب به سلف صالح و با ادعای وحدت در فضای بی‌مذهب، با بنیان وحدت مخالف است. سلفیه مدعی است که هیچ مذهبی وجود ندارد و باید به عصر سلف بازگشت و از همه دستاوردهای مذاهب که حاصل قرن‌ها تلاش و جست‌وجوی عالمان فرقه‌ها بوده است، چشم پوشید و اسلام بلامذهب را اختیار کرد. ولی در پشت این دعوت به بی‌مذهبی، نوعی مذهب نهفته است؛ زیرا دعوت، خود نوعی مذهب است؛ آن هم مذهبی گرفتار چنگال جمود و تنگ‌نظری، که اسلام را به صورت دینی بی‌روح، بی‌تحرک و ناقص معرفی می‌کند.^۵

۱. «فدین الله مبني على هذه الأصول الثلاثة على كتاب الله القرآن، وعلى سنة رسوله ﷺ، وعلى إجماع سلف الأمة». (بن‌باز، عبدالعزيز بن عبدالله، دروس للشيخ عبد العزيز بن باز، ج ۴، ص ۲۶؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، العقيدة الواسطية، ص ۱۲۸).

۲. فرید، احمد، السلفية: قواعد وأصول، ص ۷.

۳. «السلفية هي نسبة إلى السلف الصالح ويقصد إتباع هذا التيار الرجوع إلى فهم السلف». (سفیان جزایری، ابوحفص، ماذا تقصدون بمنهج التكفيري، ص ۱۰).

۴. عزیززاده موسوی، سیدمهدی، سلفی‌گری و وهابیت، ج ۱، ص ۳۳.

۵. بوطی، محمد سعید رمضان، السلفية: مرحلة زمنية مباركة لا مذهب إسلامي، ص ۲۵.

سلفیه در عصر حاضر، مفهومی بسیط و منسجم نیست و مصادیق آن نامشخص و دارای گرایش‌های گوناگون است. برخی سلفیه را به تقلیدی (وهابیت)، اصلاحی (قطبیه و سروریه) و جهادی (القاعده، داعش و...) تقسیم کرده‌اند.^۱ مقصود ما از «سلفیه» در این مقاله، همهٔ اقسام سلفیه است.

قلمروی حجیت فهم سلف

در خصوص قلمروی حجیت فهم سلف، در بین سلفیه اختلاف وجود دارد. برخی مثل ابن تیمیه قلمروی فهم سلف را چنان وسیع می‌دانند که شامل اصول دین، فروع دین، تفسیر، زهد، عبادت، اخلاق، جهاد و... می‌شود. وی اقتدای به سلف در این موضوعات را بهتر از اقتدا به علمای متأخر می‌داند.^۲ برخی دیگر فهم سلف را فقط در حوزهٔ مسائل اعتقادی حجت دانسته و بر فهم خلف مقدم می‌دانند.^۳

سلفیه مصادر اهل سنت را کتاب، سنت و فهم سلف بر می‌شمارد^۴ و کتاب و سنتی را حجت می‌داند که با فهم سلف همراه باشد.^۵ از دیدگاه سلفیه مشروط کردن کتاب و سنت به فهم سلف، برای شناخت صحیح معنای کتاب و سنت است؛ زیرا پیروی از کتاب و سنت زمانی ایجاد می‌شود که همراه با فهم سلف صورت گیرد.^۶

سلفیهٔ جهادی نیز به اتفاق، شناخت کتاب و سنت را به حجیت فهم سلف گره زده‌اند و کتاب و سنتی را حجت می‌دانند که با فهم سلف همراه باشد.^۷ آنان هر فهمی را که با قید

۱. سفیان جزایری، ابوحفص، ماذا تقصدون بمنهج التكفيري، ص ۱۲.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۴.

۳. «فهم السلف في مسائل العقيدة مقدم على فهم غيرهم من الخلف...» (سعیدان، ولید بن راشد، تعريف الطلاب بأصول الفقه في سؤال و جواب، ص ۸۳).

۴. «باب مصادر الإستدلال عند أهل السنة: الكتاب، السنة، فهم سلف الأمة». (البانی، محمد ناصرالدین، موسوعة ألبانی في العقيدة، ج ۱، ص ۲۱۲).

۵. «أهمية قید فهم سلف الأمة بجانب الكتاب والسنة». (همان، ج ۷، ص ۷۱۰).

۶. موصلی، فتحي بن عبدالله، «أهمية إحياء فهم السلف في فهم مقاصد الشريعة»، سایت مجلة الفرقان، ۲۱ دسامبر ۲۰۱۵م، آدرس:

<https://www.al-forqan.net/articles/4982.html>

۷. زمزمی، یحیی بن محمد، الحوار، ص ۲؛ طرطوسی، ابوبصیر، الكتاب و السنة علی فهم السلف، سایت أبو بصیر، آدرس: <http://www.abubaseer.bizland.com/articles.htm>

«فهم سلف» همراه نباشد، فشل و عبث می‌دانند.^۱

دلایل حجیت فهم سلف

سلفیه در اثبات حجیت فهم سلف، به آیات، روایات و دلایل دیگری استناد کرده‌اند. در این نوشتار به بررسی و نقد مهم‌ترین ادله سلفی‌ها بر حجیت فهم سلف می‌پردازیم:

۱. آیه «السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ»

خداوند در این آیه می‌فرماید:

﴿السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾^۲

نخستین افراد از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی کردند، خداوند از آنان راضی است و ایشان نیز از خدا راضی هستند.

به اعتقاد سلفیه، خداوند در این آیه به ائمه سلف (مهاجرین و انصار) و کسانی که از آنان پیروی کنند، درود فرستاده و از آنان راضی است.^۳ ابن قیم می‌گوید:

مدح خداوند نشانه‌ای بر صحت و حجیت فهم سلف است؛ بنابراین اگر کسی بدون اینکه در درستی یا نادرستی اقوال سلف تحقیق کند، از قول آنان پیروی نماید، مورد ستایش و مستحق بهشت است.^۴

در نقد این دیدگاه باید گفت:

اولاً: این آیه عمومیت ندارد و پیروی از همه سلف را شامل نمی‌شود؛ زیرا مراد از عبارت «السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ» فقط کسانی هستند که قبل از هجرت ایمان آوردند و پیش از واقعه بدر مهاجرت کردند، یا به پیغمبر ﷺ ایمان آوردند و او را منزل دادند؛ زیرا کلمه «مِنَ» در جمله «مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ» تبعیضی است؛ نه بیانی. یعنی همه مهاجرین

۱. «الإحتکام إلى الكتاب والسنة على ضوء فهم السلف الصالح». طرطوسی، ابوبصیر، تنبیه الدعاة المعاصرين إلى الأسس و المبادئ التي تعين على وحدة المسلمين، سایت أبو بصیر، آدرس:

<http://www.abubaseer.bizland.com/newpage.htm>

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۰.

۳. دمیجی، عبدالله بن عمر، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية، ص ۵۳.

۴. ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر، اعلام الموقعین، ج ۴، ص ۹۴ و ۹۵.

و انصار این طور نبودند؛ بلکه عده‌ای از آنان بیمار دل و دهن بین بودند و تحت‌تأثیر سم‌پاشی‌های منافقان قرار می‌گرفتند، عده‌ای دیگر فاسق بودند و عده‌ای از ایشان کسانی بودند که رسول خدا ﷺ از عمل آنان بیزاری جست.^۱ بسیاری از مفسران برای جمله «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ» مصادیقی نقل کرده‌اند که همه صحابه را شامل نمی‌شود. برخی از مفسران گفته‌اند که مراد از «سابقون»، اهل بدر و کسانی هستند که به دو قبله نماز خوانده‌اند.^۲ برخی دیگر گفته‌اند که مراد از آن، ابوبکر، عمر، علی علیه السلام، سلمان و عمار بن یاسر است.^۳ برخی نیز گفته‌اند که مراد از «سابقون»، کسانی هستند که بیعت رضوان را درک کردند.^۴ بنابراین خداوند در این آیه از تعدادی از مهاجرین و انصار راضی است و این دلیلی بر رضایت خداوند از همه سلف نیست.

ثانیاً: رضایت خداوند از همان گروه خاص نیز دلیل بر حجیت فهم آنان نیست؛ بلکه آنان نیز مانند دیگر انسان‌ها دارای خطا و اشتباه هستند و اجتهادهایی داشته‌اند که ناصواب بوده است؛ پس چگونه می‌توان از این آیه حجیت فهم همه سلف را فهمید؟!

۲. آیه «وَمَنْ يَشَاقِقِ الرَّسُولَ»

خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ تُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا».^۵ البانی در ذیل این آیه می‌گوید: اگر جمله «وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ» را حذف کنیم، هیچ خللی در جمله وارد نمی‌شود؛ بنابراین هدف خداوند از آوردن این قید، توجه به اهمیت فهم سلف است؛ زیرا به‌گواهی احادیث، «سبیل مؤمنین» اصحاب و جماعت هستند؛ بنابراین بر علمای مسلمانان واجب است که در این زمان، فقط به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله اکتفا نکنند؛ بلکه سنت اصحاب را نیز دریابند و این ممکن نیست، مگر با شناخت آثار سلف صالح.^۶

۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی، ج ۹، ص ۵۰۴ و ۵۰۷.

۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، ج ۶، ص ۸؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۳، ص ۲۶۹.

۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۳، ص ۲۶۹.

۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۷۸.

۵. سوره نساء، آیه ۱۱۵.

۶. البانی، محمد ناصرالدین، موسوعة البانی فی العقيدة، ج ۱، ص ۲۶۴ تا ۲۶۶.

در نقد این دیدگاه باید گفت که عادت سلفی‌ها بر این است که آیات و روایات را تقطیع کنند. آنان جمله «وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ» را تقطیع کرده و می‌گویند که مراد از «مؤمنین» صحابه هستند. این روش سلفیه، همانند آن است که کسی با تقطیع آیه «قَوْلُ الْمُصَلِّينَ»^۱، نمازگزاران را جهنمی بداند. نصی که سلفیه به آن استناد می‌کنند، از سه جزء تشکیل شده است: «مشاققة الرسول»، «معرفة الهدى» و «اتباع غير سبيل المؤمنين». باید هر سه قسمت را با هم ارزیابی کرد تا به مراد خداوند از این آیه دست یافت. با قراردادن هر سه جزء در کنار یکدیگر به این نتیجه می‌رسیم که سلفیه از این آیه، مصادره به مطلوب کرده است و اصلاً این آیه در صدد حجیت فهم سلف نیست؛ زیرا «الهدى» در این آیه به معنای ایمان و حق است و همچنین مراد خداوند از «اتباع سبيل المؤمنين» راه خداوند است؛ نه راه صحابه. بنابراین ظاهر آیه تصریح دارد که باید از راه خداوند پیروی کرد و این آیه به هیچ وجه در صدد تقیید فهم کتاب و سنت به فهم سلف نیست.^۲

۳. حدیث خیر القرون

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يُلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يُلُونَهُمْ».^۳ این روایت مهم‌ترین حدیثی است که در اثبات حجیت فهم سلف به آن استناد شده است. ابن تیمیه با ادعای تواتر این حدیث،^۴ خیریت را شامل جمیع فضایل و مناقب دانسته^۵ و صحابه را برترین امت می‌داند.^۶ ابن قیم نیز معتقد است که خیریت، به صورت مطلق ذکر شده است؛ از این رو، سلف در همه مسائل از دیگران بهتر بودند؛ بنابراین تخطی از حکم آنان جایز نیست.^۷ بن باز نیز می‌گوید: «قطعاً خیریت شامل عقیده سلف نیز می‌شود».^۸

۱. سوره ماعون، آیه ۴.

۲. اسلامبولی، سامر، تحرير العقل من النقل، ص ۲۴۹ تا ۲۵۱.

۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاري، ج ۵، ص ۳؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۶۳.

۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبوية، ج ۲، ص ۲۵.

۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، شرح العقيدة الاصفهانية، ص ۱۸۰.

۶. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتوى الحموية الكبرى، ج ۳، ص ۴۱.

۷. «إِنَّ خَيْرَ الْقُرُونِ قَرْنُهُ مُطْلَقًا، وَذَلِكَ يَقْتَضِي تَقْدِيمَهُمْ فِي كُلِّ بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْخَيْرِ». (ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر،

سلفیه معتقدند که واژه «خیر» اطلاق دارد و شامل رفتارهای خوب سلف می‌شود؛ بنابراین انسان‌هایی که در سه قرن اول اسلام زندگی می‌کنند، از هر نظر بهترین هستند. آنان از نظر علم، تقوا، عدالت، شجاعت و فهم، سرآمد همه اعصار هستند؛ پس فهم سلف بر همه مردمی که تا روز قیامت خواهند آمد، برتری و فضیلت دارد و باید در همه امور دینی، فهم سلف را بر فهم دیگران مقدم داشت.

چنان‌که از ظاهر حدیث بر می‌آید:

اولاً: «خیر» به صورت عام آمده است و تفسیر خیر به «خیر الفهم»، خود محتاج دلیل دیگری است که در آثار حدیثی سلفیان وجود ندارد.

ثانیاً: روایاتی از نبی گرامی اسلام ﷺ وجود دارد که آیندگان را بهتر از اصحاب معرفی کرده است. در روایت آمده است که: «پیامبر ﷺ فرمودند: "دوست دارم برادرانم را ببینم". همراهان گفتند: "یا رسول الله، آیا ما برادران شما نیستیم؟" حضرت فرمودند: "شما اصحاب من هستید و برادران من کسانی هستند که هنوز نیامده‌اند".»^۲

در روایتی دیگر آمده است: «خوش به حال کسانی که مرا دیدند و به من ایمان آوردند و هفت بار خوش به حال کسانی که مرا ندیدند و به من ایمان آوردند.»^۳

در روایتی دیگر، ابن عمر می‌گوید:

نزد پیامبر ﷺ نشسته بودم که حضرت فرمودند: «آیا می‌دانی بهترین خلق از نظر ایمان چه کسانی هستند؟» گفتم: «ملائکه». حضرت فرمودند: «درست است؛ ولی غیر از ایشان؟» گفتم: «پیامبران». حضرت فرمودند: «درست است؛ ولی غیر از ایشان؟» گفتم: «شهادا». پیامبر فرمودند: «درست است؛ ولی غیر از ایشان؟» در این هنگام پیامبر ﷺ فرمودند: «برترین خلق از نظر ایمان، کسانی هستند که در صلب پدران‌شان هستند و به من ایمان می‌آوردند؛ درحالی‌که مرا ندیده‌اند و با

اعلام الموقعین، ج ۴، ص ۱۰۴.

۱. «والخیرة تستلزم قطعاً صلاح العقيدة وصحتها ضرورة بحکم أنهم». (بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، مجلة الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، ج ۱۵، ص ۲۰۵).

۲. «وَدِدْتُ أَنَا قَدْ رَأَيْتُ إِخْوَانًا. قَالُوا: أَوْلَسْنَا إِخْوَانَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَنتُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانَتُنَا الَّذِينَ لَمْ يَأْتُوا بَعْدُ». (نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، ج ۱، ص ۲۱۸).

۳. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، الاستذکار، ج ۱، ص ۱۸۷.

سخنان من از طریق کاغذی آشنا می‌شوند؛ پس به آن عمل می‌کنند. آنان برترین خلق از نظر ایمان هستند».

در حدیث دیگری پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «أَنَّ فِي آخِرِ أُمَّتِهِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْ بَعْضِ مَنْ صَحِبَهُ؛ در آخر الزمان کسانی از امت من می‌آیند که از برخی صحابه بهتر هستند».^۲

ابن عبدالبر در کتاب الاستذکار، چهارده روایت در فضیلت و برتری آیندگان بر صحابه نقل کرده است و می‌گوید: «همه این احادیث، درست و راویان آنها معروف هستند؛ ولی همان‌طور که حدیث "خیر الناس قرنی" عمومیت ندارد، این احادیث نیز عمومیت ندارند».^۳

ثالثاً: از ابن تیمیه و پیروان وی می‌پرسیم که اگر خیریت اطلاق دارد، آیا فهم همه مردم سلف مراد است؟ اگر بله، در این صورت حتی منافقان مدینه و خوارج را نیز شامل می‌شود؛ زیرا منافقان و خوارج نیز در دوران سلف زندگی می‌کردند. بنابراین فهم آنان نیز حجت است؛ پس چرا می‌گویید آنها اهل بدعت هستند؟ همچنین بسیاری از فرقه‌ها مثل خوارج، مرجئه و قدریه در این قرن به وجود آمدند؛ پس باید فهم آنان نیز برتر باشد. بر چه اساسی فهم برخی صحابه، بر فهم پیروان خوارج و جهمیه مقدم است؟

اما اگر بگویید که فهم مردم به صورت انفرادی مراد است، این سؤال به وجود می‌آید که چرا فقط فهم معاویه، ابن عمر و ابن شهاب ملاک باشد و فهم ذوالخویصره و کسی که خلافت ابوبکر را نپذیرفته است، ملاک نباشد؛ بلکه از نظر شما، او مرتد نیز است.^۴

۴. حدیث عرباض بن ساریه

سلفیه با استناد به حدیث «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهْدِيِّينَ مِنْ بَعْدِي، تَمَسَّكُوا بِهَا وَعُضُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ»^۵ می‌گویند که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این حدیث، سنت

۱. «أَتَدْبِرُونَ أَيْ الْخَلْقِ أَفْضَلَ إِيْمَانًا؟ قُلْنَا: الْمَلَائِكَةُ. قَالَ ﷺ: وَحَقُّ لَهُمْ بَلْ غَيْرُهُمْ؟ قُلْنَا: الْأَنْبِيَاءُ. قَالَ ﷺ: حَقُّ لَهُمْ بَلْ غَيْرُهُمْ؟ قُلْنَا: الشَّهَدَاءُ. قَالَ ﷺ: هُمْ كَذَلِكَ وَحَقُّ لَهُمْ بَلْ غَيْرُهُمْ؟ ثُمَّ قَالَ ﷺ: أَفْضَلُ الْخَلْقِ إِيْمَانًا قَوْمٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ يُؤْمِنُونَ بِي وَلَمْ يَرْوِي وَيَجِدُونَ وَرَقًا فَيَعْمَلُونَ بِمَا فِيهِ فَهُمْ أَفْضَلُ الْخَلْقِ إِيْمَانًا». (همان، ج ۱، ص ۱۸۸).

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۸۹.

۴. فرمانیان، مهدی و محمد معینی فر، «تحلیل مبنای سمانتیکی ابن تیمیه در مفهوم سلف با توجه به صفات خبریه»، نشریه فلسفه دین، شماره سوم، ص ۵۱۱ تا ۵۳۲.

۵. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۵.

خودش را قرین سنت خلفا قرار داده و با این بیان، به پیروی از سنت خلفا امر کرده است. حضرت با مبالغه در امر به سنت خلفا گفته‌اند که به نواجذ اعتنا نکنید و این سخن پیامبر ﷺ، شامل فتوا و سنت آنان می‌شود.^۱

البانی درباره این حدیث می‌گوید: «پیامبر ﷺ، تنها راه نجات و رهایی از تفرقه را تمسک به سنت خود و خلفای راشدین می‌داند».^۲

در پاسخ به سلفیه می‌گوییم:

اولاً: این حدیث در صحیحین نقل نشده است و روی گردانی بخاری و مسلم از این حدیث، دلیل بر ضعف این سند است؛ به‌خصوص آنکه پیامبر ﷺ این حدیث را در مسجد ایراد فرمودند و با این اوصاف باید جمعیت زیادی روایت را نقل می‌کردند؛ درحالی‌که این حدیث، فقط از یک نفر نقل شده است. هر چهار طریق این روایت به «عرباض بن ساریه» می‌رسد و غیر از او فرد دیگری روایت را نقل نکرده است. به‌ویژه آنکه بیشتر راویان این حدیث، اهل شام و از اصحاب معاویه و از معاندان حضرت علی (ع) هستند و این امر، کذب روایت را بیشتر تقویت می‌کند. در ضمن اگر این روایت از پیامبر ﷺ نقل شده بود، باید صحابه از خلفا تبعیت می‌کردند؛ درحالی‌که موارد متعددی وجود دارد که صحابه، برخلاف سنت خلفای راشدین عمل کرده‌اند. مخالفت صحابه با سنت خلفای راشدین، دلیل دیگری بر کذب بودن این روایت است.^۳

ثانیاً: از کجا معلوم که مراد از «خلفای راشدین»، ابوبکر و عمر باشند؟؛ زیرا احادیثی در منابع روایی اهل سنت وجود دارد که پیامبر اکرم ﷺ خلفای پس از خود را امامان اهل بیت معرفی کرده‌اند؛^۴ مثل روایت‌های «لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيْزًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً»،^۵

۱. «فَقَرْنَ سُنَّةَ خُلَفَائِهِ بِسُنَّتِهِ، وَأَمَرَ بِاتِّبَاعِهَا كَمَا أَمَرَ بِاتِّبَاعِ سُنَّتِهِ». (ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر، اعلام الموقعین، ج ۴، ص ۱۰۷).

۲. البانی، محمد ناصرالدین، موسوعة ألبانی فی العقيدة، ج ۱، ص ۲۶۷.

۳. حسینی میلانی، سیدعلی، حدیث علیکم بستی و سنة الخلفاء الراشدین، ص ۲۲ تا ۲۵.

۴. قزوینی، خلیل بن غازی، الشافی فی شرح أصول الکافی، ج ۱، ص ۴۸۳.

۵. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳۴، ص ۵۱۸.

«إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمُضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»^۱ و «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ، أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»^۲. همه این احادیث تصریح دارند که خلفای پس از پیامبر ﷺ، دوازده نفر هستند که با امامان اهل بیت مطابق هستند؛ بنابراین مراد پیامبر ﷺ از خلیفه، امامان اهل بیت است.

ثالثاً: بر فرض اینکه این حدیث درست باشد، بازهم دلیل بر حجیت فهم سلف نیست؛ زیرا مدعای سلفیه، حجیت فهم سلف در طول سه قرن است و این حدیث اخص از مدعاست و نمی‌تواند دلیلی بر حجیت فهم سلف باشد.

۵. نزدیکی به عصر رسالت

سلفیه با این باور که صحابه با نزول وحی هم‌عصر بوده‌اند، فهم آنها را حجت می‌دانند. ابن تیمیه می‌گوید:

برای صحابه در شناخت مفاهیم قرآن، سنت و احوال پیامبر ﷺ، مقامی است که اکثر متأخران از فهم آن عاجز هستند؛ زیرا آنان پیامبر ﷺ را مشاهده و در عصر رسالت زندگی کرده‌اند و سخنان، افعال و احوال پیامبر ﷺ را با تمام وجود دریافت کرده‌اند.^۳

صحابه، از علم صاف، زلال و خالص از هرگونه شبهه و انحراف و دروغ و بدعتی بهره‌مند بودند و علوم را به‌طور مستقیم از پیامبر ﷺ دریافت می‌کردند؛ بنابراین سلف پل ارتباطی بین پیامبر ﷺ و انسان‌های بعدی هستند و این خصوصیتی است که برای احدی غیر از آنان ثابت نیست.^۴

در پاسخ به این دلیل باید گفت که هیچ‌کس منکر فضیلت همراهی با پیامبر اکرم ﷺ نیست؛ ولی همراهی با پیامبر ﷺ، دلیل بر حجیت فهم سلف محسوب نمی‌شود؛ به‌ویژه آنکه سلف امت، در بسیاری از مسائل دین با یکدیگر اختلاف داشته‌اند. در آن دوران هیچ قرائت ثابتی از دین وجود نداشته؛ بلکه دارای اقوال و آرای مختلفی

۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۲.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۴۵۳؛ ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳۴، ص ۴۲۱.

۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۹، ص ۲۰۰.

۴. طرطوسی، ابوبصیر، المنهج فی الطلب و التلقي و الإتياع، ص ۶۲.

بوده است و هر کدام از علما دارای مکتب فکری و اجتهادی خاصی بوده‌اند. سلف در فهم بسیاری از آیات و اعتقادات با یکدیگر اختلاف دارند. عبدالله بن عمرو می‌گوید:

روزی به‌سوی رسول خدا ﷺ رفتم و نزد حضرت نشسته بودم تا اینکه دو نفر از صحابه در آیه‌ای با یکدیگر دچار اختلاف شدند و صدایشان بلند شد. پیامبر ﷺ فرمودند: «اگر امت‌های پیشین هلاک شدند، به‌خاطر اختلاف آنها در کتاب بوده است».^۱

عمرو بن شعیب به‌نقل از جدش می‌گوید:

پیامبر اکرم ﷺ وارد بر اصحاب شدند؛ درحالی‌که آنان با یکدیگر در مسئله «قدر» در حال مخاصمه بودند. چهره پیامبر ﷺ از شدت ناراحتی برافروخته شد و فرمودند: «آیا شما به این کارها امر شدید؟ برخی آیات قرآن را بر برخی دیگر ترجیح می‌دهید! امت‌های پیشین به همین جهت هلاک شدند».^۲

بنابراین چنان‌که ملاحظه شد، صحابه حتی در مسائل عقیدتی نیز با یکدیگر اختلاف زیادی داشتند؛ پس چگونه می‌توان فهم آنان را حجت دانست؟ به همین جهت است که از ابوحنیفه نقل شده است:

هر آنچه از رسول الله ﷺ به ما رسیده است بر چشم و سر جای دارد و آنچه از صحابه به ما رسیده است، در قبول یا رد آن مختاریم و اما آنچه از تابعین و تابع تابعین به ما رسیده است، آنان مردانی بودند و ما مردانی.^۳

همچنین احمد بن حنبل نیز چنین دیدگاهی دارد. از وی سؤال شد و او نیز پاسخ گفت. سپس به وی گفتند: «گویا نظر ابن مبارک در این باره چیز دیگری است». ابن حنبل پاسخ داد: «ابن مبارک که از آسمان نازل نشده است».^۴

نتیجه

سلفیه با این اعتقاد که فهم سلف، از فهم خلف برتر است، به تفسیر دین پرداخته‌اند؛ از این رو، در بسیاری از مسائل دینی دیدگاهی متفاوت با عالمان اسلام دارند؛ درحالی‌که

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۱، ص ۴۰۶.

۲. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۳، ح ۸۵.

۳. صفدی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، ج ۲۷، ص ۹۰.

۴. ابن ابی یعلی، محمد، طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۳۲۹.

دلیل محکمی بر ترجیح فهم سلف بر فهم خلف ارائه نداده‌اند. آیاتی که به آن استناد شده است، بر حجیت فهم سلف دلالتی ندارد؛ زیرا آیات قرآن، فقط بر برتری تعداد معدودی از صحابه گواه است و هیچ‌گونه دلالتی بر حجیت فهم سلف به صورت مطلق ندارد. احادیث نیز بر حجیت فهم سلف دلالتی ندارند؛ زیرا احادیث مذکور افزون بر ضعف سندی، اخص از مدعا هستند و مدعای سلفیه مبنی بر حجیت فهم صحابه، تابعین و تابع تابعین را ثابت نمی‌کند. همچنین احادیثی در منابع روایی وجود دارد که خلف را از سلف برتر شمرده است؛ از این رو، آیات و روایات بر حجیت فهم سلف دلالتی ندارند؛ ولی سلفیه برای اثبات حجیت فهم سلف، دلیل عقلی نیز ارائه کرده‌اند. آنان نزدیکی سلف به عصر پیامبر ﷺ را دلیلی بر حجیت فهم سلف دانسته‌اند؛ اما این دلیل نیز بر حجیت فهم سلف دلالتی ندارد؛ زیرا با مراجعه به روایات تاریخی مشاهده می‌کنیم که صحابه در موارد متعددی با یکدیگر اختلاف داشته‌اند؛ بنابراین، چگونه به فهم کسانی مراجعه کنیم که خودشان در مسائل دینی با یکدیگر اختلاف داشته‌اند؟ از این رو نمی‌توان گفت که فهم سلف حجت است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی یعلی، محمد، **طبقات الحنابلة**، تحقیق: محمد حامد الفقی، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۳. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، **الإستذکار**، تحقیق: سالم محمد عطا و محمد علی معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **العقیده الواسطیة**، تحقیق: ابومحمد اشرف بن عبدالمقصود، ریاض: أضواء السلف، ۱۴۲۰ق.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **الفتاوی الحمویة الكبرى**، ریاض: دار الصمیعی، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.
۶. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **شرح العقیده الإصفهانیة**، تحقیق: محمد بن ریاض احمد، بیروت: مکتبة العصریة، ۱۴۲۵ق.
۷. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **مجموع الفتاوی**، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶ق.
۸. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **منهاج السنة النبویة؛ فی نقض کلام الشیعة و القدریة**، تحقیق: محمد رشاد سالم، بی جا: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۹. ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، تحقیق: شعيب الأرناؤوط، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۰. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **شرح العقیده السفارینیة**، ریاض: دار الوطن، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۱۱. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین**، بی جا: دار الوطن و دار الثریا، ۱۴۱۳ق.
۱۲. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۱ق.
۱۳. ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر، **إعلام الموقعین؛ عن رب العالمین**، تحقیق: محمد عبدالسلام ابراهیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۱۵. ابن ماجه، محمد بن یزید، **سنن ابن ماجه**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بی جا: دار إحياء الکتب العربیة، بی تا.
۱۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، ۲۰۰۳م.

١٧. اسلامبولی، سامر، **تحرير العقل من النقل**، مصر: انتشارات تعايش، ٢٠١٥م.
١٨. آلوسی، محمود بن عبدالله، **روح المعاني؛ في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني**، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
١٩. الباني، محمد ناصرالدين، **موسوعة ألباني في العقيدة**، صنعاء: مركز النعمان للبحوث و الدراسات الإسلامية و تحقيق التراث و الترجمة، چاپ اول، ١٤٣١ق.
٢٠. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحيح البخاري**، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، بی جا: دار طوق النجاة، ١٤٢٢ق.
٢١. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، **الأدلة النقليّة والحسنة؛ على جريان الشمس و سكون الأرض و أماكن الصعود إلى الكواكب**، مدينه: مؤسسة مكة للطباعة و الإعلام، ١٣٩٥ق.
٢٢. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، **دروس للشيخ عبد العزيز بن باز**، بی جا: بی نا، بی تا.
٢٣. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، **مجلة الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة**، بی جا: بی نا، بی تا.
٢٤. بوطنی، محمد سعيد رمضان، **السلفية؛ مرحلة زمنية مباركة لا مذهب إسلامي**، سوریه: دار الفكر، ١٤٠٨ق.
٢٥. ترکی، عبدالله بن عبدالمحسن، **مجله اعتقاد أئمة السلف**، عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية و الأوقاف و الدعوة و الإرشاد، چاپ دوم، ١٤١٧ق.
٢٦. حسینی میلانی، سیدعلی، **حديث عليكم بسنتي و سنة الخلفاء الراشدين**، قم: نشر الحقائق، چاپ اول، ١٤٢٩ق.
٢٧. دميجی، عبدالله بن عمر، **فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية**، مکه: مركز البحوث و الدراسات، ١٤٣١ق.
٢٨. زمزمی، يحيى بن محمد، **الحوار؛ آدابه و ضوابطه في ضوء الكتاب و السنة**، رمادی: دار التربية و التراث، ١٤١٤ق.
٢٩. سعیدان، ولید بن راشد، **تعريف الطلاب بأصول الفقه في سؤال و جواب**، سایت المكتبة العربية الكبرى، آدرس:

30. <http://arabicmegalibrary.com>

٣١. سفیان جزایری، ابوحفص، **ماذا تقصدون بمنهج التكفيري**، سایت آرشیو، آدرس:

32. https://archive.org/details/mujahid_bag_3

٣٣. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **الدر المنثور في التفسير بالمأثور**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق.

٣٤. صفدی، خلیل بن ایبک، **الوافي بالوفيات**، تحقيق: احمد الأرناؤوط و ترکی مصطفی، بيروت: دار

إحياء التراث، ١٤٢٠ق.

٣٥. طباطبائي، سيد محمدحسين، **الميزان في تفسير القرآن**، ترجمه: سيد محمدباقر موسوي، قم: انتشارات جامعه مدرسين، چاپ پنجم، ١٣٧٤ش.

٣٦. طرطوسي، ابوبصير، **الكتاب و السنة على فهم السلف؛ كلمات في السياسة الشرعية أخص بها أهلنا في تونس ومصر**، سايت أبو بصير، آدرس:

37. <http://www.abubaseer.bizland.com/articles.htm>

٣٨. طرطوسي، ابوبصير، **المنهج في الطلب و التلقي و الإتياع**، سايت أبو بصير، آدرس:

39. <http://www.abubaseer.bizland.com>

٤٠. طرطوسي، ابوبصير، **تنبيه الدعاة المعاصرين إلى الأسس و المبادي التي تعين على وحدة المسلمين**، سايت أبو بصير، آدرس:

41. <http://www.abubaseer.bizland.com/newpage.htm>

٤٢. عليزاده موسوي، سيدمهدى، **سلفى گرى و وهاييت**، قم: آواى نشر، چاپ ششم، ١٣٩٣ش.

٤٣. فرمانيان، مهدى و محمد معينى فر، «تحليل مبنای سمانتيكى ابن تيميه در مفهوم سلف با توجه به صفات خبريه»، **نشریه فلسفه دين**، دوره ١١، شماره ٣، پاييز ١٣٩٣ش.

٤٤. فريد، احمد، **السلفية؛ قواعد و أصول**، مصر: الدار السلفية، ١٩٩٩م.

٤٥. قزوينى، خليل بن غازى، **الشافى في شرح أصول الكافى**، قم: دار الحديث، ١٤٢٩ق.

٤٦. موصلى، فتحى بن عبدالله، «أهمية إحياء فهم السلف في فهم مقاصد الشريعة»، سايت مجلة الفرقان، ٢١ دسامبر ٢٠١٥م، آدرس:

47. <https://www.al-forqan.net/articles/4982.html>

٤٨. نيشابورى، مسلم بن حجاج، **صحيح مسلم**، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بى تا.

سایت ها

<http://arabi21.com>

<http://arabicmegalibrary.com>